

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره پیاپی ۳۱، پاییز ۱۳۹۷

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استان‌های ایران

قربان حسینی: کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی و کارشناس پژوهشی گروه مهاجرت، شهرنشینی و بازتوزیع فضایی جمعیت،

مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران

رسول صادقی: دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت

کشور، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی قاسمی اردهایی: استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، اهر، ایران

ولی‌اله رستمعلی‌زاده: استادیار گروه مهاجرت، شهرنشینی و بازتوزیع فضایی جمعیت، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و

تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

صص ۱۸-۱

دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۰

چکیده

هدف از مقاله پیش‌رو، واکاوی تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در ایران در سه دهه‌ی اخیر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در مقاله، کمی از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل ثانویه‌ی داده‌های مهاجرت سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است. نتایج بیانگر تغییر الگوهای جریان مهاجرت‌های داخلی به سمت افزایش مهاجرت‌های برون استانی است. مهاجرت‌های بین‌استانی از ۳۵ درصد در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ به ۴۰ درصد در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ افزایش یافته است. همچنین نتایج نشان داد؛ بیشترین مبادله‌ی مهاجرتی استان‌های کشور با استان تهران و استان‌های همجوارشان بوده است. استان‌های تهران (به همراه البرز)، سمنان، قم، یزد و اصفهان همواره مهم‌ترین استان‌های مهاجرپذیر کشور بوده‌اند. در مقابل، استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و همدان از استان‌های مهاجرفرست کشور بوده‌اند. به‌طور کلی، با توجه به میزان‌های بالای بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی در استان‌های مهاجرفرست کشور و همچنین نابرابری‌های توسعه‌ای، انتظار می‌رود جریان مهاجرت‌های بین‌استانی در کشور افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت‌های داخلی، مهاجرت‌های بین‌استانی، مهاجرپذیری، خالص مهاجرت، الگوهای مهاجرت.

بیان مسأله:

مهاجرت و جابجایی جمعیتی نشانگر پویایی و تلاش انسان است. انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی زمینی تلاش را برای خود محدود می‌دانند، اقدام به مهاجرت می‌نمایند (Shams et al, 2011: 58). مهاجرت به‌عنوان یک واقعه‌ی تأثیرگذار بر رشد و تغییر جمعیت مورد توجه قرار می‌گیرد. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به‌دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و یا عدم تعادل‌هایی را در جمعیت‌های تحت تأثیر خود به‌وجود بیاورد (Zanjani, 2001). در حال حاضر، اهمیت مهاجرت در تسهیل توسعه انسانی و شکل‌دهی به الگوهای سکونت به‌طور گسترده‌ای در حال شناسایی و تحلیل محققان در سطح جهان است (World Bank, 2011; UN, 2009). مهاجرت یک پدیده‌ی جهانی است که در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی و در کشورهای جهان سوم در نیم قرن اخیر شدت گرفته است. مهاجرت در کشورهای صنعتی مهار شده و دیگر به‌عنوان یک مشکل مطرح نمی‌باشد؛ اما کشورهای در حال توسعه نه تنها نتوانسته‌اند با تدابیر لازم مشکل را حل نمایند، بلکه با ایجاد نابرابری‌ها بین مناطق آن را نیز تشدید نموده‌اند (Shams et al, 2011: 58). ساختار مهاجرت‌های داخلی، مفهومی است که در دوره‌ی معاصر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. برخی از صاحب‌نظران جمعیت‌شناسی معتقدند همان‌طور که ساختار سنی و سایر پدیده‌های جمعیت‌شناسی دارای قانون‌مندی‌هایی است، تغییر و ثبات جریان‌های مهاجرتی بین مبدأ و مقصد نیز دارای نظم و قانون‌مندی خاصی است. از سوی دیگر، این جریانات نمایانگر تصمیمات مهاجرتی تجمع‌یافته بسیاری از افراد و خانوارها است. درک این ساختارها می‌تواند در شناسایی الگوهای جدید بازتوزیع جمعیت مؤثر باشد (Mahmoudi et al, 2010: 48). بنابراین، مهاجرت‌های داخلی یکی از مباحث مهم در تحلیل پویایی جمعیت است، که متأثر از الگوهای توسعه، شرایط جغرافیایی و غیره است.

مهاجرت، فرایندی پویا و برخاسته از شرایط در حال تغییر اجتماعی است که می‌تواند نه تنها افراد مهاجر، بلکه جامعه مبدأ و مقصد را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ تشدید پخشایش ناموزون جمعیت، به‌هم خوردن ساختار سنی و جنسی جمعیت، بروز مسائل اقتصادی (تورم بخش خدمات، بیکاری و فقر اقتصادی)، اجتماعی (آسیب‌های اجتماعی) و زیست‌محیطی از پیامدهای منفی مهاجرت نامتوازن داخلی است. همچنین «مهاجرت انعکاس تغییراتی است که در تار و پود جامعه‌ای که مردم بدان تعلق دارند، اتفاق می‌افتد (تغییرات در فرهنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی و ساخت‌های سیاسی). از این‌رو، همان‌طور که میشل^۱ (۱۹۸۵) بیان می‌کند، مهاجرت را باید نه فقط به‌عنوان یک پدیده‌ی (واقعه یا موقعیتی که درخور مطالعه علمی است) بلکه به عنوان یک فرآپدیده (واقعه‌ای که وقوع آن به‌علت بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند) به آن توجه کرد» (Lucas and Meyer, 2002: 147-8). کشور ایران در طول نیم قرن اخیر با تحولات و گذار جمعیتی زیادی از قبیل گذار بیماری و مرگ‌ومیر، گذار باروری، گذار خانواده، گذار شهری و مهاجرتی مواجه بوده است. در این میان اهمیت گذار مهاجرتی و پویایی آن افزایش یافته و به مؤلفه‌ی بسیار مهم پویایی جمعیت ایران تبدیل شده است. ایران در طول این نیم قرن جابجایی‌ها و حرکات مهاجرتی گسترده‌ای را در ابعاد داخلی تجربه کرده است. این جابجایی‌ها رشد جمعیت منطقه‌ای و نیز ساختار اجتماعی و جمعیتی را تحت تأثیر قرار داده است. از این‌رو، بررسی تحولات مهاجرتی و مهاجرت‌فرستی استان‌های کشور از ضرورت و اهمیت قابل توجهی برخوردار است. هدف از این مقاله واکاوی تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در کشور و پاسخ به سؤالات زیر است:

(۱) روند تحولات مهاجرت‌های داخلی در کشور در سه دهه‌ی اخیر چگونه بوده است؟

(۲) مبادی و مقاصد جریانات مهاجرتی در کشور کجاها هستند؟

(۳) الگوهای نوپدید در جریانات مهاجرت داخلی کدامند؟

مبانی نظری تحقیق:

رویکرد اقتصادی که رویکرد غالب تبیین‌کننده مهاجرت است، اغلب با عنوان "تئوری‌های جاذبه-دافعه" می‌شناسند. زیرا اینها دلایل مهاجرتی را ترکیبی از عوامل دافعه (شامل رشد جمعیت، سطح پایین استاندارد زندگی و مهم‌تر از همه فقدان فرصت‌های اقتصادی) و عوامل جاذبه (شامل تقاضا برای نیروی کار، دسترسی به زمین و فرصت‌های اقتصادی خوب) می‌دانند. این رویکرد نظری در ابتدا در دیدگاه راونشتاین^۱، در قالب قوانین مهاجرت فرمول‌بندی و مطرح شده است (*Castles and Miller, 2003: 22*). قوانین راونشتاین از اولین تعاریفی است که مهاجران را افرادی می‌داند که به‌طور عقلانی به دنبال دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر هستند. در این قوانین، مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل، ویژگی‌های مکانی و فضایی محل سکونت از عوامل مهم در تبیین مهاجرت تلقی می‌شوند. راونشتاین با استفاده از آمارهای سرشماری‌های نیمه دوم قرن نوزدهم بریتانیا استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست بلکه قوانین عامی بر آن حاکم است. قوانین او هنوز هم معتبر و پایه‌ای برای بسیاری از نظریات مهاجرت در عصر ما است. قوانین مهاجرت راونشتاین در هفت فرض اساسی ذیل خلاصه می‌گردد:

- (۱) **مهاجرت و فاصله:** نرخ مهاجرت بین دو نقطه ارتباط معکوس با فاصله بین این دو نقطه دارد. مهاجرینی که مسافت طولانی را طی می‌کنند، تمایل دارند که ترجیحاً به یکی از مراکز بزرگ تجارت و صنعت بروند؛
- (۲) **مهاجرت مرحله‌ای:** به‌طور طبیعی در جریان مهاجرت افراد محلی مایلند که ابتدا به طرف شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به‌سرعت رشد می‌کنند مهاجرت کنند؛
- (۳) **جریان و ضد جریان مهاجرت:** هر جریان عمده مهاجرت یک ضد جریان جبران‌کننده‌ای را به‌وجود می‌آورد. با اینکه مهاجرت روستا به شهر جریان کلی مسلط را نشان می‌دهد، با این حال همیشه یک جریان معکوس مهاجرت از شهر به روستا نیز صورت می‌گیرد؛
- (۴) **تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت:** افراد بومی شهرها کمتر از آنهایی که در قسمت روستائی کشور هستند مهاجرت می‌کنند، از این‌رو در جریان‌های مهاجرت داخلی، نرخ خالص مهاجرت از روستا به شهر بیشتر است؛
- (۵) **تکنولوژی ارتباطات و مهاجرت:** جریان‌های مهاجرت در طول زمان در نتیجه افزایش جریان امکانات جابجایی و توسعه صنعت و تجارت ماهیتاً رو به افزایش است؛
- (۶) **فزونی شمار زنان در مهاجرت با مسافت کوتاه:** به‌نظر می‌رسد میان مهاجرین در مسافت کوتاه، زنان برتری داشته باشند؛

(۷) **آخرین و مهم‌ترین اصل، تسلط انگیزه اقتصادی است.** قوانین بد و ظالمانه، مالیات‌های سنگین، آب و هوای نامناسب، محیط اجتماعی نامطبوع و حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل) تماماً در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم مؤثر است، ولی جریان‌هایی که این عوامل به‌وجود می‌آورند؛ هیچ یک از نظر حجم، قابل مقایسه با جریانی نیست که از میل باطنی اکثر انسان‌ها به بهبود جنبه‌های مادی زندگی سرچشمه می‌گیرد. به‌طور خلاصه انگیزه اقتصادی در مجموعه عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت از همه قوی‌تر است (*Todaro, 1988: 20*).

یکی از نظریه‌هایی که به تحلیل و تبیین گذار مهاجرت‌های داخلی در مسیر انتقال جمعیتی پرداخته نظریه‌ی انتقال تحرکی^۲ است، که در سال ۱۹۷۱ توسط زلینسکی^۳ مطرح شد. او مفهوم تحرک را در معنای عامش یعنی تحرک فیزیکی - مکانی و تحرک اجتماعی در نظر گرفت. بر اساس نظریه‌ی او هر جامعه‌ای که در مسیر مدرنیزاسیون قرار می‌گیرد، انتقال تحرک از وضعیتی که در آن جابجایی و تحرک فیزیکی و اجتماعی کاملاً محدود و کم است به‌طرف حجم بالاتر تحرکات و جابجایی‌های مکانی - اجتماعی همراه است. زلینسکی پنج نوع الگوی جابجایی در طول مراحل انتقال جمعیتی تشخیص داده که اهمیت و شدت آنها در طول زمان متفاوت است، این مراحل با مراحل انتقال جمعیتی به‌طور قابل ملاحظه‌ای وابستگی و

1. *Push-Pull Theories*

2. *Ravenstein*

3. *Mobility Transition*

4. *Wilbur Zelinsky*

ارتباط دارند. در مرحله نخست، مهاجرت‌های روستا شهری کم، و در مسافت‌های کوتاه صورت می‌گیرد، در این مرحله عواملی چون مالکیت زمین، تعاملات اجتماعی، تجارت، جنگ و مقررات مذهبی تعیین‌کننده مهاجرت هستند. مرحله دوم، گذار مهاجرت‌های روستا - شهری با حرکت‌های دسته‌جمعی از مناطق روستایی به مناطق شهری همراه است که تا اواسط مرحله سوم ادامه خواهد داشت، سپس با تعدیل جمعیت روستایی کاهش می‌یابد. در مرحله چهارم، این‌گونه مهاجرت‌ها به تدریج با محور زمان همسو می‌شوند. در مرحله پنجم، مهاجرت‌های روستایی به شدت کم می‌شود و تقریباً اکثر مهاجرت‌های داخلی شکل درون‌شهری و بین‌شهری می‌یابد (Zelinsky, 1971: 219-226).

اورت لی (۱۹۶۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره‌ی مهاجرت» به بازنویسی قوانین راونشتاین پرداخته و در این ارتباط، چهار مجموعه از عوامل تعیین‌کننده تصمیم به مهاجرت را به صورت عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) که با مبدأ مرتبط هستند، عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) به مقصد ربط دارند، عوامل واسط و مداخله‌گر که بین مبدأ و مقصد وجود دارند و ویژگی‌های شخصی افراد از هم متمایز می‌کند. تودارو (۱۹۷۶) نیز به‌عنوان یکی دیگر از صاحب‌نظران اقتصادی مهاجرت، بر این باور است مهاجران بر اساس به حداکثر رساندن منافع مورد انتظار دست به مهاجرت می‌زنند و این منافع مورد انتظار شامل تفاوت در درآمدهای واقعی، دستیابی به فرصت‌های شغلی و احتمال به دست آوردن شغل می‌باشد (Todaro, 1976: 21-29). بنابراین در رویکرد اقتصادی، مهاجرت‌ها و جابجایی‌های جمعیتی با نابرابری درآمد، انتظارات شغلی، دافعه‌ها و جاذبه‌های اقتصادی تبیین می‌شود.

در نقد تئوری‌های اقتصادی می‌توان گفت که دیدگاه اقتصادی نئوکلاسیک در تحلیل‌های مهاجرتی منحصراً بر نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق مبدأ و مقصد که توسط کنشگران عقلانی که به دنبال حداکثر سود و فایده هستند ارزیابی می‌شود، متمرکز است (Massey et al, 1998: 8). همچنین چنین رویکرد تحلیلی مهاجرت، فردگرایانه و غیرتاریخی است. زیرا عمدتاً بر تصمیمات فردی مبتنی بر مقایسه عقلانی هزینه‌ها و فایده‌های نسبی ماندن در یک منطقه معین یا مهاجرت به مکان دیگر تأکید دارد. همچنین این رویکردها از این جهت که نقش دولت، عوامل نهادی و تجارب تاریخی و پویایی اجتماع را نادیده می‌گیرند؛ مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به همین دلیل رویکردهای نظری مکمل مطرح شده است. در این ارتباط، رویکرد تاریخی-ساختاری که ریشه‌های فکری آن برگرفته از اقتصاد سیاسی مارکسیستی و تئوری نظام جهانی است، مهاجرت را پدیده‌ای می‌داند که منحصراً در پاسخ به شرایط ساختاری ایجاد شده در بستر تاریخی، صورت می‌گیرد. در رویکرد نهادی-سیاسی، بر نقش دولت‌ها و قوانین در جریان مهاجرت‌های داخلی تأکید می‌شود. در نهایت، رویکرد نظام‌های مهاجرتی، که رویکرد جدیدی در مطالعات مهاجرتی است تلاش می‌کند با دیدگاهی جامع و بین‌رشته‌ای تمامی ابعاد و سطوح خرد تا کلان تجربه مهاجرتی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد (Sadeghi, 2009: 43; Castles and Miller, 2003: 22).

پیشینه تحقیق:

در ایران برخی از مطالعات به بررسی روند مهاجرت‌های داخلی پرداخته‌اند. مرکز آمار ایران، نتایجی از مطالعه مهاجرت‌های استانی (۱۳۶۵-۷۵) بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ نشان داد که از مجموع ۲۹۳۹۹۲۱ نفر مهاجرانی که طی دوره‌ی مذکور در بین استان‌های کشور جابجا شده‌اند، بیشترین تعداد به استان تهران با ۸۳۷۳۷۰ نفر و کمترین به چهارمحال‌بوختیاری با ۱۳۹۹۹ نفر وارد و ساکن شده‌اند. بررسی استان‌ها از نظر مهاجرپذیری و مهاجرفرستی طی دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵، به ترتیب ۶ استان تهران، اصفهان، خوزستان، قم، سمنان و یزد مهاجرپذیر و سایر استان‌ها مهاجرفرست بوده‌اند (Statistical Center of Iran, 1998). صفائی‌پور، در مطالعه خود به این نتایج رسید که، استان خوزستان در دهه‌های گذشته با نقل و انتقالات شدید جمعیتی روبرو شده است؛ به طوری که روند مهاجرت این استان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. تا دوره‌ی ۵۵-۱۳۴۵ مهاجرپذیر بوده ولی در دوره‌ی ۶۵-۱۳۵۵ روند معکوس شده و شدیداً مهاجرفرست شده است. در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵، باز مهاجرپذیر شده است. در دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵ به‌عنوان استان مهاجرپذیر و مهاجرفرست شناخته شد (Safaei

Pour, 2009). بیک محمدی و حاتمی، در مطالعه خود اظهار کرده‌اند که استان آذربایجان شرقی در ۵۰ سال گذشته مهاجرفرست بوده است. نتایج نشان می‌دهد، بالا بودن درصد جمعیت روستایی، پایین بودن درآمد کشاورزی و کاهش بهره‌وری، وجود اراضی کشاورزی دیمی، تشدید خشک‌سالی‌های گذشته، ضعف بنیادهای صنعتی و خدماتی در مراکز شهری و کمبود فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی، در مهاجرت فرستی شدید منطقه، مؤثر بوده است (Beyk Mohammadi and Mokhtari Malekabadi, 2010).

مشفق، در نتایج مطالعه، بررسی مهاجرت‌های داخلی ایران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵ نشان داد که؛ روندهای نسبتاً پایداری در نظام مهاجرت‌های بین‌استانی ایران وجود دارد. همچنین اثربخشی مهاجرت‌های بین‌استانی در توزیع مجدد جمعیت در سطح ملی طی سه دهه‌ی مورد مطالعه به‌طور اساسی کاهش یافته است، یا به‌عبارتی اثر مهاجرت‌ها در تغییرات نظام سکونتی کشور کمتر شده است. از سوی دیگر میزان پیوستگی مهاجرتی بین‌استانی طی سه دهه‌ی گذشته در ایران افزایش یافته، که نشان‌دهنده‌ی گسترش امکانات ارتباطی و گسترش شعاع مهاجرت‌های بین‌استانی در سطح ملی است. شاخص‌های ضریب‌جینی و ترجیح مکانی مهاجرت‌های بین‌استانی نشان‌دهنده‌ی وجود تمرکزگرایی زیاد در نظام مهاجرتی کشور است، البته این تمرکزگرایی ناشی از میل عوامل درآمد، اشتغال و سرمایه انسانی به تمرکز در نقاط ثقل ملی یعنی استان‌های کلان‌شهری کشور است (Moshfegh, 2010).

برخی دیگر از مطالعات به بررسی جریان‌های مهاجرت داخلی پرداخته‌اند. قاسمی اردهایی و حسینی‌راد، در مطالعه‌ی جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ به این نتایج رسیدند؛ جریان مهاجرت‌ها طی این دوره ۵۴ درصد از شهر به شهر، ۲۰ درصد از روستا به شهر، ۹ درصد از روستا به روستا و ۱۷ درصد از شهر به روستا بوده است. حدود ۴۱ درصد از مهاجران این دوره بین استانی و ۵۹ درصد در داخل استان‌های محل اقامت خود جابجا شده‌اند. در مهاجرت‌های بین‌استانی، بیشترین مهاجرت‌ها (۳۰ درصد) به مقصد استان تهران انجام گرفته و استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، گیلان و مازندران در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. در زمینه‌ی مهاجران خارج شده از استان‌ها، استان تهران با ۱۷/۲۵ درصد در رتبه نخست و پس از آن، استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان، خراسان رضوی و اصفهان قرار دارند. بیشترین میزان خالص مهاجرت سالیانه برای استان تهران با ۵/۱۸+ و بعد از آن استان‌های یزد، قم و بوشهر قرار دارند. استان‌های کرمانشاه، همدان، اردبیل، کردستان و لرستان به ترتیب کمترین میزان خالص مهاجرت را دارند (Ghasemi Ardahaia and hosseini Rad, 2008).

نوراللهی، مطالعه‌ای با عنوان مهاجرت‌های استانی در ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) انجام داد که هدف آن شناخت استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست بوده است. از مجموع ۴۷۷۴۰۴۱ نفر مهاجرانی که طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در بین استان‌های کشور جابجا شده‌اند. بیشترین تعداد به استان تهران با ۱۴۳۸۴۰۶ نفر و کمترین آن به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۲۸۶۴۷ نفر وارد شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد مهاجرت در ایران حالت پلکانی دارد. بدین مفهوم که جریان مهاجرت به شهرهای داخل استان محل زندگی و سپس به شهرهای بزرگ و استان‌های دیگر بوده است (Nourollah, 2010). حسینی، در نتایج مطالعه مهاجرت‌های بین‌استانی و شناخت قطب‌های مهاجرتی در کشور طی دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ نشان داد که؛ نسبت مهاجر به جمعیت در این دوره ۷/۴ نفر است. همچنین ۱۳ استان مهاجرپذیر و بقیه مهاجرفرست بوده‌اند. اکثر مهاجران مرد و از بین جوانان ۲۹-۱۵ ساله در سن فعالیت، اشتغال و تحصیل هستند بوده است. در تحلیل رابطه بین متغیرهای رشد جمعیت و نرخ بیکاری با متغیر وابسته میزان خالص مهاجرت، رابطه معنی‌داری و برای متغیرها میانگین سال‌های تحصیل، جمعیت روستا/شهری و درصد شهرنشینی، رابطه‌ای وجود نداشت (Hosseini, 2014). صادقی و شکریانی، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ به تحلیل فضایی پویایی مهاجرت‌های داخلی از نوع بین‌شهرستانی در ایران و تبیین آن در چارچوب توسعه‌ی نابرابر و عدم تعادل‌های منطقه‌ای پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد شهرستان‌های ایران از سطوح متفاوت توسعه برخوردارند و سطح توسعه‌یافتگی آنها ساختار فضایی داشته و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. به‌علاوه، بر اساس نتایج آزمون موران عمومی، الگوهای متفاوتی از رابطه توسعه‌یافتگی و مهاجرت خالص وجود دارد، همچنین میزان خام شدت مهاجرپذیری به‌طور قوی و میزان خام شدت مهاجرفرستی به‌طور ضعیف تمایل به متمرکز شدن یا خوشه‌شدن در فضا دارد. نتایج آزمون

موران محلی نیز بیانگر رابطه‌ی مثبت و معنادار میزان توسعه‌یافتگی با شدت مهاجرپذیری و رابطه‌ی منفی و معنادار میزان توسعه‌یافتگی با شدت مهاجرفرستی است (Sadeghi and Shokryani, 2016).

جساداتچتر، در مطالعه علل مهاجرت بین استانی در تایلند طی سال‌های ۸۰-۱۹۷۵ به این نتیجه رسیده است که متغیرهای جاذبه، فاصله و جمعیت مقصد تعیین کننده اصلی مهاجرت در تایلند هستند. میزان بیکاری در مقصد رابطه‌ی معکوس با مهاجرت دارد. میزان دستمزد در مقصد به‌طور مثبت با مهاجرفرستی همبستگی داشته است. همچنین متغیرهای آموزشی در مبدأ و مقصد با میزان مهاجرفرستی همبستگی نشان داده است (Jessadachatr, 1989). بونی‌فازی و هاینز، در مطالعه‌ی روندهای بلندمدت مهاجرت‌های داخلی در ایتالیا به بررسی وضعیت مهاجرت‌های بین استانی از ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد در ایتالیا حجم کلی مهاجرت‌های بین استانی در دهه‌ی ۱۹۷۰ کاهش یافته و این روند همچنان تداوم داشته است. به‌طور کلی در آغاز دهه ۱۹۹۰ حجم تحرکات مهاجرتی بین استانی به‌میزان ۱۰ در هر ۱۰۰۰ نفر رسیده است. در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ الگوی توزیع جغرافیایی جمعیت در ایتالیا به تعادل رسیده و از این زمان به‌بعد مهاجرت‌های بین استانی بیشتر در فاصله‌های کوتاه در توزیع جمعیت اثر بخش بوده‌اند. نتایج نشان داده است که تغییرات منطقه‌ای مهاجرت‌های بین استانی اساساً متأثر از تغییرات اقتصادی، اجتماعی در ایتالیا از دهه ۱۹۵۰ به‌بعد بوده است. استان‌های کلان‌شهری از جمله رم، میلان، ناپلز و توران در شکل‌گیری روندهای مهاجرتی بین استانی و تغییرات فضایی جمعیت در ایتالیا نقش بسیار اساسی و مهم داشته‌اند و استان‌های مذکور به‌عنوان نقاط جذب و توزیع مجدد جریانات مهاجرتی بین استانی در ایتالیا عمل کرده‌اند (Bonofizi and Hinnies, 2000).

روش تحقیق:

روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی مبتنی بر تحلیل ثانویه داده‌های مهاجرت سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است. سرشماری منبع اصلی اطلاعات و داده‌ها در مورد مهاجرت است. جامعه آماری شامل همه استان‌های کشور طی سرشماری‌های مذکور است. اقلام اطلاعاتی پرسیده شده در سرشماری شامل: مهاجران وارد شده طی ۵ یا ۱۰ سال گذشته بر حسب جنس، استان محل اقامت قبلی و فعلی، سن، مدت اقامت و علت مهاجرت بوده است. در این مقاله از شاخص‌های نسبت مهاجر به جمعیت، میزان مهاجرفرستی، میزان مهاجرپذیری، خالص مهاجرت و میزان خالص مهاجرت استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق:

الف) روند تحولات حجم و نسبت مهاجرت‌های داخلی: نسبت تعداد مهاجران وارد شده به کل جمعیت در میان‌دوره به‌صورت سالانه نشان می‌دهد که این نسبت برای کل کشور در دوره‌های ۷۵-۱۳۶۵، ۸۵-۱۳۷۵ و ۹۰-۱۳۸۵ به‌ترتیب برابر ۱۵/۴، ۱۸/۱ و ۱۴/۰ درصد بوده است. در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵، بیشترین نسبت برای استان‌های خوزستان، ایلام، سمنان، تهران و کردستان و کمترین برای استان‌های زنجان، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی، مازندران و لرستان بوده است. در دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵، بیشترین نسبت برای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، خراسان جنوبی، سمنان، تهران، یزد، قزوین، و گیلان و کمترین آن برای استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان، آذربایجان شرقی، همدان، کرمانشاه و خوزستان بوده است. در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵، بیشترین نسبت برای استان‌های البرز، خراسان جنوبی، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی بوده و کمترین نسبت برای استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان، خوزستان، آذربایجان شرقی و قم بوده است. طی دوره‌ی ۸۵-۱۳۶۵، به‌جز استان‌های ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم و کردستان در بقیه استان‌ها این نسبت روند افزایشی داشته است. روند نسبت مهاجر به جمعیت در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ نسبت به دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ برای استان اردبیل، ثابت، برای استان‌های آذربایجان شرقی، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، مازندران، هرمزگان و یزد افزایشی و در سایر استان‌ها کاهش یافته است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- نسبت مهاجران وارد شده به استان‌ها به کل جمعیت استان‌ها در میانه دوره (به صورت سالانه) طی دوره‌های ۹۰-۱۳۶۵

نام استان	۱۳۶۵-۱۳۷۵			۱۳۷۵-۱۳۸۵			۱۳۸۵-۱۳۹۰		
	جمعیت میان دوره	تعداد مهاجران	نسبت مهاجر به جمعیت (سالانه)*	جمعیت میان دوره	تعداد مهاجران	نسبت مهاجر به جمعیت (سالانه)	جمعیت میان دوره	تعداد مهاجران	نسبت مهاجر به جمعیت (سالانه)
کل کشور	۵۴۷۵۰۲۴	۸۴۳۵۸۶	۱۵/۴	۶۵۲۷۵۶۲	۱۱۷۸۳۶۷	۱۸/۱	۷۲۸۲۲۷۲۶	۵۰۸۹۳۵۴	۱۴/۰
آذربایجان شرقی	۳۷۱۹۸۱۲	۳۳۹۲۹۴	۹/۱	۳۴۶۴۴۹۸	۴۴۹۶۵۸	۱۳/۰	۳۶۶۴۰۳۸	۱۹۴۸۵۱	۱۰/۶
آذربایجان غربی	۲۲۳۳۹۹۹	۳۵۴۵۱۴	۱۵/۹	۲۶۸۴۸۹۰	۴۴۵۲۸۳	۱۶/۶	۲۹۷۷۰۱۸	۱۶۵۱۸۶	۱۱/۱
اردبیل	۱۱۰۷۱۲۴	۱۱۹۹۹۵	۱۰/۸	۱۱۹۸۰۸۳	۱۹۹۵۲۹	۱۶/۷	۱۲۳۸۳۲۲	۶۶۸۸۵	۱۰/۸
اصفهان	۳۶۰۹۰۸۶	۵۷۱۹۲۴	۱۵/۸	۴۲۴۱۲۵۶	۷۴۵۲۰۸	۱۷/۶	۴۷۱۹۲۸۴	۳۴۵۵۷۸	۱۴/۶
البرز**	--	--	--	--	--	--	۲۲۴۴۷۵۲	۲۸۲۸۷۰	۲۵/۲
ایلام	۴۳۴۹۸۹	۹۲۶۱۴	۲۱/۳	۵۱۶۸۳۷	۹۷۱۷۴	۱۸/۸	۵۵۱۶۹۳	۳۹۷۲۶	۱۴/۴
بوشهر	۶۷۷۹۲۹	۱۰۰۹۱۵	۱۴/۹	۸۱۴۹۷۱	۱۹۴۰۶۷	۲۳/۸	۹۵۹۶۰۸	۱۰۹۶۲۱	۲۲/۸
تهران	۹۹۴۴۱۶۳	۱۹۷۳۰۵	۱۹/۸	۱۲۲۹۹۳۰	۲۸۱۰۰۵۱	۲۲/۸	۱۱۷۶۴۳۸۳	۸۸۲۲۹۹	۱۵/۰
چهارمحال و بختیاری	۶۹۶۱۷۴	۵۹۲۰۲	۸/۵	۸۰۹۵۳۹	۱۳۰۲۰۵	۱۶/۱	۸۷۶۵۸۷	۴۹۸۶۱	۱۱/۴
خراسان جنوبی**	۵۶۶۴۱۳۳	۸۰۶۱۴۹	۱۴/۲	۵۸۱۳۴۵	۱۳۴۴۱۵	۲۳/۱	۶۴۹۴۷۷	۸۰۱۳۰	۲۴/۷
خراسان رضوی	۵۶۶۴۱۳۳	۸۰۶۱۴۹	۱۴/۲	۵۱۵۶۴۹۱	۹۰۳۴۴۰	۱۷/۵	۵۷۹۳۷۴۱	۳۷۸۱۴۰	۱۳/۱
خراسان شمالی	۷۷۶۷۱۵	۱۳۴۵۶۸	۱۷/۳	۷۷۶۷۱۵	۱۳۴۵۶۸	۱۷/۳	۸۳۹۶۵۰	۷۶۷۲۳	۱۸/۳
خوزستان	۳۲۱۴۳۷۵	۸۰۰۳۸۷	۲۴/۹	۴۰۱۰۸۷۶	۵۸۲۰۴۱	۱۴/۵	۴۴۰۳۳۵۰	۲۲۳۳۹۲	۱۰/۱
زنجان	۱۳۱۲۷۳۷	۸۸۷۷۴	۶/۸	۱۰۰۰۷۳۷	۱۶۱۴۳۸	۱۶/۱	۹۹۰۱۶۸	۶۹۹۲۸	۱۴/۱
سمنان	۴۵۹۲۳۶	۹۲۶۵۶	۲۰/۲	۵۴۵۵۹۵	۱۲۵۴۴۸	۲۳/۰	۶۱۰۴۸۰	۶۶۴۹۶	۲۱/۸
سیستان و بلوچستان	۱۴۵۹۸۱۹	۱۸۰۷۹۶	۱۲/۴	۲۰۶۴۱۶۱	۲۵۳۷۴۸	۱۲/۳	۲۴۷۰۰۳۵	۹۰۲۴۰	۷/۳
فارس	۳۵۰۵۴۰۳	۴۶۱۴۱۱	۱۳/۲	۴۰۷۶۹۵۷	۶۲۷۳۵۱	۱۵/۴	۴۴۶۶۷۶۸	۳۲۷۶۲۳	۱۴/۷
قزوین**	--	--	--	۱۰۵۵۷۲۹	۲۲۲۲۸۰	۲۱/۱	۱۱۷۲۳۸۳	۸۰۹۹۴	۱۳/۸
قم	۷۳۵۰۲۲	۱۲۱۰۱۶	۱۶/۵	۹۴۹۸۹۱	۱۴۴۶۴۴	۱۵/۲	۱۰۹۹۲۰۵	۵۸۹۶۷	۱۰/۷
کردستان	۱۲۱۲۳۹۹	۲۳۳۷۷۰	۱۹/۳	۱۳۹۳۲۷۰	۲۵۸۶۶۹	۱۸/۶	۱۴۶۶۹۰۱	۱۲۵۵۴۷	۱۷/۱
کرمان	۱۸۱۳۶۴۳	۲۲۲۶۳۶	۱۲/۳	۲۳۲۸۳۷۱	۳۵۳۶۳۴	۱۵/۲	۲۷۹۵۷۰۱	۱۵۴۲۳۳	۱۱/۰
کرمانشاه	۱۶۲۰۷۸۱	۲۲۷۵۲۰	۱۴/۰	۱۸۲۸۹۹۱	۲۵۹۳۵۵	۱۴/۲	۱۹۱۲۳۰۶	۱۰۶۵۹۶	۱۱/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۴۷۸۰۹۲	۸۵۵۳۹	۱۷/۹	۵۸۹۳۲۸	۱۴۰۶۷۶	۲۳/۹	۶۴۶۴۶۴	۶۱۶۶۱	۱۹/۱
گلستان	--	--	--	۱۵۲۱۶۸۸	۲۹۸۴۱۹	۱۹/۶	۱۶۹۷۰۵۱	۱۴۳۷۷۶	۱۶/۹
گیلان	۲۱۶۱۴۶۷	۲۹۴۰۲۰	۱۳/۶	۲۳۲۳۳۷۹	۴۸۳۳۷۹	۲۰/۸	۲۴۴۲۸۶۸	۲۱۶۶۰۰	۱۷/۷
لرستان	۱۴۷۵۷۳۲	۱۳۸۰۱۰	۹/۴	۱۶۵۰۴۸۱	۲۱۲۹۰۰	۱۲/۹	۱۷۲۵۳۸۵	۶۴۱۵۴	۷/۴
مازندران	۳۷۲۳۸۲۱	۳۴۴۶۵۱	۹/۳	۳۴۷۵۳۶۴	۵۰۹۸۳۴	۱۴/۷	۲۹۹۸۱۸۸	۲۲۱۶۵۴	۱۴/۸
مرکزی	۱۱۵۵۴۶۱	۱۸۱۸۰۵	۱۵/۷	۱۲۹۰۰۳۵	۲۵۷۶۸۷	۲۰/۰	۱۳۸۲۶۰۸	۱۰۲۸۰۹	۱۴/۹
هرمزگان	۹۱۲۱۸۱	۱۱۳۱۶۳	۱۲/۴	۱۲۳۲۹۱۵	۲۲۷۱۷۴	۱۸/۴	۱۴۹۰۹۲۹	۱۱۰۰۵۲	۱۴/۸
همدان	۱۵۹۱۸۹۲	۱۹۳۲۰۸	۱۲/۱	۱۶۹۰۶۱۲	۲۳۵۷۴۳	۱۳/۹	۱۷۳۰۷۶۸	۱۰۰۴۵۳	۱۱/۶
یزد	۶۶۲۳۹۹	۹۰۷۰۵	۱۳/۷	۸۷۰۷۹۴	۱۸۵۶۵۹	۲۱/۳	۱۰۳۲۶۲۳	۹۲۳۰۹	۱۷/۹

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

* روش محاسبه: تعداد مهاجران تقسیم بر کل جمعیت میان دوره، ضربدر ۱۰۰۰، نتیجه بر طول دوره‌ی سرشماری تقسیم شده تا نسبت مهاجر به جمعیت به صورت سالانه به دست بیاید.

** اطلاعات مربوط به دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی در استان خراسان، استان قزوین در استان زنجان و استان البرز در دوره‌ی ۸۵-۱۳۶۵ در استان تهران لحاظ شده است.

در دوره ۷۵-۱۳۶۵، ۲۰ استان مهاجرفرست و ۶ استان مهاجرپذیر بوده‌اند. بر اساس حجم مهاجرتی، استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، لرستان و همدان قطب‌های مهاجرفرستی و استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان و قم، قطب‌های

اصلی مهاجرپذیری بوده‌اند. استان‌های مهاجرپذیر در دوره ۷۵-۱۳۶۵، اصفهان، تهران، خوزستان، سمنان، قم و یزد؛ در دوره ۱۳۷۵-۸۵، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، سمنان، قزوین، قم، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی و یزد، و در دوره ۱۳۸۵-۹۰، اصفهان، البرز، بوشهر، خراسان جنوبی، زنجان، سمنان، قم، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و یزد بوده‌اند. در دوره ۷۵-۱۳۶۵ بیشترین میزان مهاجرپذیری برای قم و سمنان، و کمترین برای زنجان و مازندران، در دوره ۱۳۷۵-۸۵ بیشترین میزان مهاجرپذیری برای سمنان، قم و تهران، و کمترین برای سیستان و بلوچستان، خوزستان، فارس، کرمان و کرمانشاه، و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ بیشترین برای البرز، سمنان و بوشهر، و کمترین برای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و فارس بوده است. در دوره ۷۵-۱۳۶۵، بیشترین میزان مهاجرفرستی برای بوشهر، قم، کردستان، مرکزی و همدان، و کمترین برای خراسان، کرمان و مازندران بوده است. در دوره ۸۵-۱۳۷۵، بیشترین میزان مهاجرفرستی برای استان‌های سمنان، همدان، اردبیل، خراسان جنوبی، کرمانشاه و کمترین برای استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، فارس، کرمان، هرمزگان است. در دوره ۹۰-۱۳۸۵، بیشترین میزان مهاجرفرستی برای استان‌های البرز، سمنان، قم و کرمانشاه، و کمترین برای استان کرمان است. استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و همدان طی دوره ۹۰-۱۳۶۵ همواره استانی مهاجرفرست و استان‌های اصفهان، سمنان، قم و یزد مهاجرپذیر بوده‌اند. استان تهران در دوره ۸۵-۱۳۶۵ مهاجرپذیر اما در دوره ۹۰-۱۳۸۵ مهاجرفرست شده است. از دلایل این وضعیت در دوره اخیر برای استان تهران، می‌توان به تقسیمات استانی و تفکیک استان البرز و روانه شدن بخش قابل توجهی از مهاجران داخلی به سمت این استان اشاره داشت. (جدول شماره ۲).

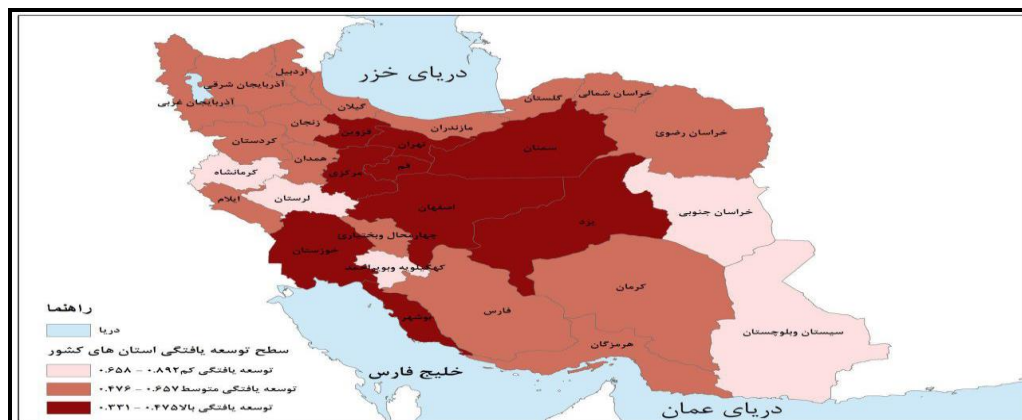
جدول ۲- میزان‌های مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان‌های کشور طی دوره‌های ۹۰-۱۳۶۵

۱۳۸۵-۱۳۹۰		۱۳۷۵-۱۳۸۵				۱۳۶۵-۱۳۷۵				استان		
میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)	میزان مهاجران خارج شده به استان‌های دیگر	میزان مهاجران وارد شده از استان‌های دیگر	میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)	میزان مهاجران خارج شده به استان‌های دیگر	میزان مهاجران وارد شده از استان‌های دیگر	میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)			
۴	۴	۷۲۵۰۹	۶۵۰۷۹	۵	۹	۳۰۲۱۵۶	۱۵۸۴۲۴	۳	۶	۲۱۵۰۴۳	۱۲۶۵۸۵	آذربایجان شرقی
۳	۴	۵۲۲۶۶	۳۸۲۷۶	۵	۶	۱۴۸۴۴۰	۱۲۱۶۲۱	۴	۴	۹۶۲۵۸	۹۴۸۶۱	آذربایجان غربی
۴	۷	۴۰۲۷۵	۲۶۳۹۱	۷	۱۱	۱۳۴۷۲۸	۷۹۳۲۹	۳	۷	۷۶۴۴۶	۳۶۸۹۰	اردبیل
۶	۴	۹۳۶۳۱	۱۴۰۴۹۵	۷	۵	۲۳۱۳۲۱	۲۹۹۹۴۳	۷	۵	۱۶۶۳۵۰	۲۳۷۴۲۳	اصفهان
۱۷	۹	۹۸۸۴۰	۱۹۲۷۷۰	--	--	--	--	--	--	--	--	البرز
۶	۷	۱۸۷۰۰	۱۵۹۶۲	۷	۹	۴۸۳۳۴	۳۷۲۸۸	۵	۷	۲۹۳۴۲	۲۲۳۸۰	ایلام
۱۱	۶	۲۷۶۶۱	۵۲۲۵۳	۱۱	۹	۷۶۰۱۴	۹۱۵۹۶	۶	۱۲	۸۱۰۲۶	۴۲۰۸۹	بوشهر
۶	۶	۴۰۴۹۰۸	۳۸۴۰۲۵	۱۲	۷	۸۳۳۳۸۰	۱۴۳۸۴۰۶	۸	۵	۴۸۶۹۸۷	۸۳۷۳۷۰	تهران
۳	۷	۳۱۸۳۶	۱۵۰۹۶	۶	۸	۶۵۶۳۶	۴۸۷۰۵	۲	۷	۴۶۴۹۸	۱۳۹۹۹	چهارمحال و بختیاری
۱۰	۵	۱۷۷۰۲	۳۱۳۶۴	۹	۱۱	۶۵۴۸۹	۵۳۴۸۶	۳	۳	۱۷۵۷۹۲	۱۷۱۶۵۱	خراسان جنوبی
۴	۴	۱۱۶۱۱۷	۱۱۰۳۶۶	۶	۵	۲۷۷۶۹۰	۳۱۰۳۴۶					خراسان رضوی
۷	۷	۳۰۵۹۷	۳۰۰۶۸	۷	۱۰	۷۶۸۶۸	۵۱۴۸۱					خراسان شمالی
۳	۵	۱۱۵۶۳۲	۶۱۰۹۲	۴	۷	۲۷۸۶۶۱	۱۷۰۴۵۲	۹	۷	۲۱۶۹۸۷	۲۷۸۳۳۶	خوزستان
۶	۵	۲۷۱۷۵	۳۰۴۶۸	۸	۱۰	۹۶۰۸۹	۸۰۱۳۴	۲	۵	۶۳۹۱۴	۳۰۰۵۲	زنجان
۱۴	۸	۲۳۴۹۰	۴۲۰۰۶	۱۳	۱۲	۶۳۷۱۷	۷۱۷۷۹	۱۱	۷	۳۲۸۱۵	۵۰۴۹۷	سمنان
۲	۵	۶۱۰۱۰	۲۷۲۶۷	۳	۷	۱۳۸۱۱۹	۶۶۷۹۴	۴	۵	۶۶۹۱۶	۵۲۳۲۴	سیستان و بلوچستان
۳	۴	۹۹۶۱۷	۷۳۷۷۶	۴	۵	۱۹۹۵۳۹	۱۶۵۶۹۵	۳	۴	۱۴۶۱۱۶	۱۲۱۲۵۳	فارس
۵	۷	۳۸۴۰۳	۳۱۸۰۲	۹	۹	۹۴۹۳۰	۹۶۷۵۷	--	--	--	--	قزوین
۸	۸	۴۱۳۴۵	۴۶۱۸۵	۱۳	۱۰	۹۷۲۸۰	۱۲۰۶۸۲	۱۵	۸	۵۶۱۲۵	۱۰۶۷۵۴	قم

۵	۶	۴۷۴۴۰	۳۷۰۵۳	۵	۹	۱۳۰۳۷۹	۷۱۴۹۷	۵	۸	۹۱۹۷۳	۵۴۸۲۸	کردستان
۳	۳	۴۴۴۰۸	۳۸۰۲۷	۴	۵	۱۱۴۰۷۰	۸۷۳۲۹	۳	۳	۶۱۸۰۴	۵۵۴۲۰	کرمان
۴	۸	۷۷۹۵۰	۳۹۲۶۲	۴	۱۱	۱۹۹۹۵۳	۸۰۸۱۵	۳	۷	۱۱۱۳۱۵	۴۹۶۲۰	کرمانشاه
۴	۵	۱۷۳۵۶	۱۲۹۹۹	۵	۷	۴۳۷۵۶	۲۸۶۴۷	۴	۵	۲۵۲۵۰	۱۹۷۲۹	کهگیلویه و بویراحمد
۶	۴	۳۷۵۸۶	۵۱۳۰۸	۸	۶	۹۷۶۱۱	۱۲۵۷۴۴	۳	۴	۵۲۴۷۰	۴۱۹۶۶	گلستان
۷	۵	۵۶۷۰۲	۸۶۷۰۵	۹	۸	۱۷۷۷۰۶	۲۰۲۳۸۷	۵	۶	۱۲۰۵۱۵	۱۰۲۷۴۳	گیلان
۳	۷	۶۱۳۶۴	۲۵۳۹۶	۵	۹	۱۴۳۹۱۹	۷۵۱۳۴	۳	۷	۱۰۰۹۲۶	۴۲۳۲۰	لرستان
۵	۴	۵۴۲۳۲	۷۹۶۱۱	۶	۵	۱۶۳۰۷۸	۱۹۸۵۲۰	۲	۳	۱۰۶۱۷۲	۸۹۱۴۷	مازندران
۷	۶	۴۴۰۲۸	۵۱۷۱۲	۱۱	۱۰	۱۳۰۳۵۲	۱۳۶۶۱۸	۷	۸	۸۷۶۹۳	۷۸۱۸۵	مرکزی
۷	۶	۴۳۸۳۱	۵۲۰۸۵	۸	۸	۱۰۴۷۳۳	۱۰۴۴۹۲	۶	۸	۶۸۷۵۱	۵۹۲۶۷	هرمزگان
۵	۷	۶۴۴۲۳	۴۵۹۸۹	۶	۱۲	۱۹۷۸۴۸	۱۰۸۳۴۴	۵	۸	۱۲۷۳۳۸	۸۲۹۸۲	همدان
۱۰	۵	۲۴۸۰۴	۵۱۰۳۹	۱۱	۷	۶۰۴۲۹	۹۹۷۸۰	۶	۴	۲۹۰۹۹	۴۱۲۵۰	یزد

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

باتوجه به جریان تبادلاتی مهاجرتی (مهاجرپذیری و مهاجرفرستی) استان‌ها برای انجام دقیق تحلیل تطبیقی از شاخص دیگری باعنوان «نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی» استفاده شده است. نسبت ۱ به معنای برابری حجم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی، بیشتر از ۱ به معنای بیشتر بودن نسبت مهاجرپذیری و نسبت کمتر از ۱ به معنای بیشتر بودن نسبت مهاجرفرستی است. فاصله و تفاوت از رقم ۱ در حقیقت شدت میزان مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی را نشان می‌دهد. در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب استان‌های قم ۱/۹، تهران ۱/۷، سمنان ۱/۵، یزد ۱/۴ و خوزستان ۱/۳، بیشترین و در مقابل به ترتیب استان‌های چهارمحال و بختیاری ۰/۳، کرمانشاه ۰/۴، لرستان ۰/۴، زنجان ۰/۵، بوشهر ۰/۵، اردبیل ۰/۵، آذربایجان شرقی ۰/۶ و کردستان ۰/۶ کمترین مقدار شاخص مذکور را داشته‌اند. در دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵، به ترتیب استان‌های تهران، یزد، اصفهان، گلستان و قم بیشترین و در مقابل به ترتیب استان‌های کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، لرستان و همدان کمترین مقدار را داشته‌اند. در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب استان‌های یزد، البرز، بوشهر، خراسان جنوبی، سمنان، اصفهان، مازندران و گیلان بیشترین و در مقابل به ترتیب استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، اردبیل، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و همدان کمترین مقدار را داشته‌اند. بدین ترتیب وضعیت موازنه مهاجرتی کشور بعد از انقلاب در نتیجه تحولات سیاسی-اقتصادی کشور دچار تغییر گشته است. استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، همدان و لرستان به‌عنوان قطب‌های اصلی مهاجرفرستی و در مقابل استان‌های تهران، اصفهان و یزد به‌عنوان قطب‌های اصلی مهاجرپذیری در سطح برون‌استانی بوده‌اند. استان تهران در سه دهه‌ی اخیر بیشترین تبادلات مهاجرتی را داشته و بالاترین سهم واردشدگان و خارج‌شدگان مربوط به این استان بوده است. (جدول ۳). مهاجرت در استان‌ها به دلیل سطح توسعه‌یافتگی آنها بوده است. استان‌های توسعه‌یافته‌تر مهاجرپذیر و استان‌های کمتر توسعه‌یافته، مهاجرفرست بوده‌اند. (شکل شماره ۱).



شکل ۱- سطح توسعه یافتگی استان‌های ایران، ۱۳۹۰- منبع: تهیه شده بر اساس نتایج مطالعه عبدالعزیز و شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۵.

جدول ۳- محاسبه شاخص های منتخب برای استان های کشور طی دوره های ۹۰-۱۳۶۵

استان	۱۳۶۵-۱۳۷۵			۱۳۷۵-۱۳۸۵			۱۳۸۵-۱۳۹۰		
	نسبت مهاجرت پذیری به مهاجرت فرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هکتار)	خالص مهاجرت سالانه	نسبت مهاجرت پذیری به مهاجرت فرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هکتار)	خالص مهاجرت سالانه	نسبت مهاجرت پذیری به مهاجرت فرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هکتار)	خالص مهاجرت سالانه
آذربایجان شرقی	۰/۶	۹/۲	-۲/۴	۰/۵	۶/۶	-۲/۱	۰/۹	۷/۵	-۱۴۸۶
آذربایجان غربی	۱/۰	۸/۶	-۰/۱	۰/۸	۵/۰	-۰/۵	۰/۷	۶/۱	-۲۷۹۸
اردبیل	۰/۵	۱۰/۲	-۳/۶	۰/۶	۸/۹	-۲/۳	۰/۷	۱۰/۸	-۲۷۷۷
اصفهان	۱/۴	۱۱/۲	۲/۰	۱/۳	۶/۳	۰/۸	۱/۵	۹/۹	۹۳۷۳
البرز	--	--	--	--	--	--	۲/۰	۲۶/۰	۱۸۷۸۶
ایلام	۰/۸	۱۱/۹	-۱/۶	۰/۸	۸/۳	-۱/۱	۰/۹	۱۲/۶	-۵۴۸
بوشهر	۰/۵	۱۸/۲	-۵/۷	۱/۲	۱۰/۳	۱/۰	۱/۹	۱۶/۷	۴۹۱۸
تهران	۱/۷	۱۳/۳	۳/۵	۱/۷	۹/۲	۲/۵	۰/۹	۱۲/۳	-۴۱۷۷
چهارمحال و بختیاری	۰/۳	۸/۷	-۴/۷	۰/۷	۷/۱	-۱/۰	۰/۵	۱۰/۷	-۳۳۴۸
خراسان جنوبی	۱/۰	۶/۱	-۰/۱	۰/۸	۱۰/۲	-۱/۰	۱/۸	۱۵/۱	۲۷۳۲
خراسان رضوی	۱/۰	۶/۱	-۰/۱	۱/۱	۵/۷	۰/۳	۱/۰	۷/۸	-۱۱۵۰
خراسان شمالی	۱/۰	۶/۱	-۰/۱	۰/۷	۸/۳	-۱/۶	۱/۰	۱۴/۵	-۱۰۶
خوزستان	۱/۳	۱۵/۴	۱/۹	۰/۶	۵/۶	-۱/۳	۰/۵	۸/۰	-۱۰۹۰۸
زنجان	۰/۵	۷/۲	-۲/۶	۰/۸	۸/۸	-۰/۸	۱/۱	۱۱/۶	۶۵۹
سمنان	۱/۵	۱۸/۱	۳/۹	۱/۱	۱۲/۴	۰/۷	۱/۸	۲۱/۵	۳۷۰۳
سیستان و بلوچستان	۰/۸	۸/۲	-۱/۰	۰/۵	۵/۰	-۱/۷	۰/۴	۷/۱	-۶۷۴۹
فارس	۰/۸	۷/۶	-۰/۷	۰/۸	۴/۵	-۰/۴	۰/۷	۷/۸	-۵۱۶۸
قزوین	--	--	--	۱/۰	۹/۱	۰/۱	۰/۸	۱۲/۰	-۱۳۲۰
قم	۱/۹	۲۲/۲	۶/۹	۱/۲	۱۱/۵	۱/۲	۱/۱	۱۵/۹	۹۶۸
کردستان	۰/۶	۱۲/۱	-۳/۱	۰/۵	۷/۵	-۲/۱	۰/۸	۱۱/۵	-۲۰۷۷
کرمان	۰/۹	۶/۵	-۰/۴	۰/۸	۴/۳	-۰/۶	۰/۹	۵/۹	-۱۲۷۶
کرمانشاه	۰/۴	۹/۹	-۳/۸	۰/۴	۷/۷	-۳/۳	۰/۵	۱۲/۳	-۷۷۳۸
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸	۹/۴	-۱/۲	۰/۷	۶/۱	-۱/۳	۰/۷	۹/۴	-۸۷۱
گلستان	۰/۸	۷/۳	-۰/۸	۱/۳	۷/۳	۰/۹	۱/۴	۱۰/۵	۲۷۴۴
گیلان	۰/۹	۱۰/۳	-۰/۸	۱/۱	۸/۲	۰/۵	۱/۵	۱۱/۷	۶۰۰۱
لرستان	۰/۴	۹/۷	-۴/۰	۰/۵	۶/۶	-۲/۱	۰/۴	۱۰/۰	-۷۱۹۴
مازندران	۰/۸	۵/۲	-۰/۵	۱/۲	۵/۲	۰/۵	۱/۵	۸/۹	۵۰۷۶
مرکزی	۰/۹	۱۴/۴	-۰/۸	۱/۰	۱۰/۳	۰/۲	۱/۲	۱۳/۸	۱۵۲۷
هرمزگان	۰/۹	۱۴/۰	-۱/۰	۱/۰	۸/۵	۰/۰	۱/۲	۱۲/۹	۱۶۵۱
همدان	۰/۷	۱۳/۲	-۲/۸	۰/۵	۹/۱	-۲/۶	۰/۷	۱۲/۸	-۳۶۸۷
یزد	۱/۴	۱۰/۶	۱/۸	۱/۷	۹/۲	۲/۳	۲/۱	۱۴/۷	۵۲۴۷

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

ب) الگوهای مهاجرت‌های داخلی:

در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵، ۸۵-۱۳۷۵ و ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب ۶۵/۱، ۵۹/۴ و ۶۱ درصد مهاجرت‌ها، از نوع درون‌استانی بوده است. در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ بیشترین درصد مهاجران درون‌استانی برای استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و کرمان و کمترین برای استان‌های قم، سمنان و هرمزگان بوده است. در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ بیشترین درصد مهاجران درون‌استانی برای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، فارس، آذربایجان غربی، کرمان و خوزستان و کمترین برای استان‌های قم، البرز، سمنان، یزد و مرکزی بوده است که در این استان‌ها، مهاجران برون‌استانی بیشتر از درون‌استانی بوده است. طی دوره‌های ۹۰-۱۳۶۵ نسبت مهاجرت درون‌استانی، برای استان‌های قم، آذربایجان شرقی، خوزستان و فارس افزایشی و برای استان‌های ایلام، بوشهر، سمنان، کردستان، کرمانشاه، لرستان و یزد روند کاهشی داشته است. طی دوره‌ی ۹۰-۱۳۶۵، استان قم دارای بالاترین درصد مهاجران برون‌استانی بوده است. در این دوره مهاجرت برون‌استانی در استان‌های سمنان، کردستان، کرمانشاه، لرستان روندی افزایشی و در استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، قم، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان روند کاهشی داشته است. روند مهاجرت‌های برون‌استانی در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ نسبت به دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ برای کل کشور و استان‌های اردبیل، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، همدان و یزد افزایش داشته است. نتیجه این‌که، روند کاهشی مهاجرت‌های درون‌استانی و افزایش مهاجرت‌های برون‌استانی طی دوره‌ی ۹۰-۱۳۶۵ در اکثر استان‌های کشور مشاهده شده است. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- درصد مهاجران درون‌استانی و برون‌استانی طی دوره‌های ۹۰-۱۳۶۵

نام استان و نوع مهاجرت	درون‌استانی		برون‌استانی (وارد شده از استان‌های دیگر به هر استان)		درصد
	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵	۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۹۰-۱۳۸۵	
کل کشور	۶۵/۱	۵۹/۴	۶۱/۰	۳۴/۹	۳۹/۰
آذربایجان شرقی	۶۲/۷	۶۴/۸	۶۶/۶	۳۷/۳	۳۳/۴
آذربایجان غربی	۷۳/۲	۷۲/۷	۷۶/۸	۲۶/۸	۲۳/۲
اردبیل	۶۹/۳	۶۰/۲	۶۰/۵	۳۰/۷	۳۹/۵
اصفهان	۵۸/۵	۵۹/۸	۵۹/۳	۴۱/۵	۴۰/۷
البرز	--	--	۳۱/۹	--	۶۸/۱
ایلام	۷۵/۸	۶۱/۶	۵۹/۸	۲۴/۲	۴۰/۲
بوشهر	۵۸/۳	۵۲/۸	۵۲/۳	۴۱/۷	۴۷/۷
تهران	۵۷/۶	۴۸/۸	۵۶/۵	۴۲/۴	۴۳/۵
چهارمحال و بختیاری	۷۶/۴	۶۲/۶	۶۹/۷	۲۳/۶	۳۰/۳
خراسان جنوبی	۷۸/۷	۶۰/۲	۶۰/۹	۲۱/۳	۳۹/۱
خراسان رضوی		۶۵/۶	۷۰/۸		۲۹/۲
خراسان شمالی		۶۱/۷	۶۰/۸		۳۹/۲
خوزستان	۶۵/۲	۷۰/۷	۷۲/۷	۳۴/۸	۲۷/۳
زنجان	۶۶/۱	۵۰/۴	۵۶/۴	۳۳/۹	۴۳/۶
سمنان	۴۵/۵	۴۲/۸	۳۶/۸	۵۴/۵	۶۳/۲
سیستان و بلوچستان	۷۱/۱	۷۳/۷	۶۹/۸	۲۸/۹	۳۰/۲
فارس	۷۳/۷	۷۳/۶	۷۷/۵	۲۶/۳	۲۲/۵
قزوین	--	۵۶/۵	۶۰/۷	--	۳۹/۳
قم	۱۱/۸	۱۶/۶	۲۱/۷	۸۸/۲	۷۸/۳
کردستان	۷۶/۵	۷۲/۴	۷۰/۵	۲۳/۵	۲۹/۵
کرمان	۷۵/۱	۷۵/۳	۷۵/۳	۲۴/۹	۲۴/۷
کرمانشاه	۷۸/۲	۶۸/۸	۶۳/۲	۲۱/۸	۳۶/۸
کهگیلویه و بویراحمد	۷۶/۹	۷۹/۶	۷۸/۹	۲۳/۱	۲۱/۱
گلستان	۷۱/۷	۵۷/۹	۶۴/۳	۲۸/۳	۳۵/۷

۴۰/۰	۴۱/۹	۳۴/۹	۶۰/۰	۵۸/۱	۶۵/۱	گیلان
۳۹/۶	۳۵/۳	۳۰/۷	۶۰/۴	۶۴/۷	۶۹/۳	لرستان
۳۵/۹	۳۸/۹	۲۵/۹	۶۴/۱	۶۱/۱	۷۴/۱	مازندران
۵۰/۳	۵۳/۰	۴۳/۰	۴۹/۷	۴۷/۰	۵۷/۰	مرکزی
۴۷/۳	۴۶/۰	۵۲/۴	۵۲/۷	۵۴/۰	۴۷/۶	هرمزگان
۴۵/۸	۴۶/۰	۴۲/۹	۵۴/۲	۵۴/۰	۵۷/۱	همدان
۵۵/۳	۵۳/۷	۴۵/۵	۴۴/۷	۴۶/۳	۵۴/۵	یزد

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

در دوره ی ۷۵-۱۳۶۵، برای کل کشور ۲۹۳۹۹۲۱ نفر مهاجر برون استانی داشته ایم. حدود ۲۹ درصد واردشدگان و ۱۶ درصد خارج شدگان برای استان تهران بوده است. در دوره ی ده ساله ی ۸۵-۱۳۷۵، برای کل کشور ۴۷۷۴۰۴۰ نفر مهاجر برون استانی بوده است. حدود ۳۰ درصد واردشدگان و ۱۷ درصد خارج شدگان مربوط به استان تهران بوده اند. در این دوره از ۳۰ استان کشور، ۱۸ استان مهاجرفرست و ۱۲ استان مهاجرپذیر بوده اند. در این میان با توجه به حجم مهاجرتی، استان های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان و همدان قطب های اصلی مهاجرفرستی و در مقابل استان های تهران، اصفهان، یزد و مازندران قطب های اصلی مهاجرپذیری بوده اند. رتبه بندی استان های کشور بر حسب تعداد کل مهاجران و مهاجران درون استانی، برون استانی و خارج شده از استان ها، طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ را نشان می دهد. در رتبه بندی استان های کشور بر حسب تعداد کل مهاجران طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵، استان تهران دارای بالاترین رتبه و بعد از آن استان های خوزستان، خراسان جنوبی، اصفهان، فارس، مازندران و دوره ی اخیر استان البرز در بالای جدول هستند و در استان های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، و سمنان کمترین جابجایی ها انجام شده است. طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ در استان های گیلان، مازندران، کرمان، گلستان، هرمزگان، بوشهر، سمنان، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و خراسان جنوبی روندی افزایشی و در استان های آذربایجان غربی، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، همدان، مرکزی، قم و ایلام روندی کاهشی در درصد کل مهاجران قابل مشاهده است. در رتبه بندی استان ها بر حسب درصد مهاجران درون استانی طی دوره های ۹۰-۱۳۶۵، استان های تهران، خراسان رضوی، فارس، اصفهان، خوزستان، مازندران و آذربایجان غربی در رتبه های بالا هستند و استان های قم، ایلام و سمنان کمترین جابجایی را داشته اند. حدود ۳۰ درصد از مهاجرت های درون استانی مربوط به ۲۰ استان انتهایی جدول است. درصد مهاجران درون استانی طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ در استان های خراسان رضوی، فارس، اصفهان، آذربایجان شرقی، گیلان، گلستان، بوشهر، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، زنجان، قم، هرمزگان و یزد روندی افزایشی، و در استان های تهران، خوزستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، مرکزی، ایلام، همدان و قزوین روندی کاهشی و در استان سمنان روند ثابت دارد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- رتبه‌بندی استان‌های کشور برحسب توزیع درصدی کل، مهاجران درون طی دوره‌های ۹۰-۱۳۶۵

رتبه	کل مهاجران وارد شده (درون و برون استانی)						مهاجران درون‌استانی					
	۱۳۶۵-۱۳۷۵		۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۸۵-۱۳۹۰		۱۳۶۵-۱۳۷۵		۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۸۵-۱۳۹۰	
	نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد
۱	تهران	۲۳/۵	تهران	۲۴/۶	تهران	۱۷/۷	تهران	۲۰/۷	تهران	۱۹/۶	تهران	۱۶/۱
۲	خوزستان	۹/۷	خراسان رضوی	۷/۶	خراسان رضوی	۷/۴	خراسان	۱۱/۵	خراسان رضوی	۸/۵	خراسان رضوی	۸/۶
۳	خراسان	۹/۴	اصفهان	۶/۵	اصفهان	۶/۸	خوزستان	۹/۵	فارس	۶/۶	فارس	۸/۲
۴	اصفهان	۶/۸	فارس	۵/۴	فارس	۶/۶	فارس	۶/۲	اصفهان	۶/۴	اصفهان	۶/۶
۵	فارس	۵/۵	خوزستان	۴/۸	البرز	۵/۵	اصفهان	۶/۱	خوزستان	۵/۹	خوزستان	۵/۲
۶	آذربایجان غربی	۴/۲	مازندران	۴/۲	خوزستان	۴/۴	آذربایجان غربی	۴/۷	آذربایجان غربی	۴/۶	مازندران	۴/۶
۷	مازندران	۴/۰	گیلان	۴/۰	مازندران	۴/۳	مازندران	۴/۶	مازندران	۴/۴	گیلان	۴/۲
۸	آذربایجان شرقی	۳/۹	آذربایجان شرقی	۳/۷	گیلان	۴/۱	آذربایجان شرقی	۳/۹	آذربایجان شرقی	۴/۲	آذربایجان شرقی	۴/۲
۹	گیلان	۳/۴	آذربایجان غربی	۳/۷	آذربایجان شرقی	۳/۸	گیلان	۳/۵	گیلان	۴/۰	آذربایجان غربی	۴/۱
۱۰	کرمانشاه	۲/۸	کرمان	۳/۰	آذربایجان غربی	۳/۲	کردستان	۳/۳	کرمان	۳/۸	کرمان	۳/۷
۱۱	کردستان	۲/۸	گلستان	۲/۵	کرمان	۳/۰	کرمانشاه	۳/۲	سیستان و بلوچستان	۲/۷	گلستان	۳/۰
۱۲	کرمان	۲/۷	سیستان و بلوچستان	۲/۲	گلستان	۲/۷	کرمان	۳/۰	کردستان	۲/۷	البرز	۲/۹
۱۳	سیستان و بلوچستان	۲/۲	کرمانشاه	۲/۲	کردستان	۲/۴	سیستان و بلوچستان	۲/۳	کرمانشاه	۲/۶	کردستان	۲/۹
۱۴	همدان	۲/۲	مرکزی	۲/۱	بوشهر	۲/۲	همدان	۲/۰	گلستان	۲/۵	کرمانشاه	۲/۲
۱۵	مرکزی	۲/۱	کردستان	۲/۱	هرمزگان	۲/۲	مرکزی	۱/۹	لرستان	۲/۰	سیستان و بلوچستان	۲/۰
۱۶	گلستان	۱/۷	هرمزگان	۲/۰	کرمانشاه	۲/۱	گلستان	۱/۹	همدان	۱/۸	هرمزگان	۱/۹
۱۷	لرستان	۱/۶	همدان	۲/۰	مرکزی	۲/۰	لرستان	۱/۷	هرمزگان	۱/۸	بوشهر	۱/۸
۱۸	قم	۱/۶	لرستان	۱/۸	همدان	۲/۰	اردبیل	۱/۵	قزوین	۱/۸	همدان	۱/۸
۱۹	اردبیل	۱/۴	قزوین	۱/۸	یزد	۱/۹	ایلام	۱/۳	اردبیل	۱/۷	مرکزی	۱/۶
۲۰	هرمزگان	۱/۴	بوشهر	۱/۶	سیستان و بلوچستان	۱/۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۲	مرکزی	۱/۷	قزوین	۱/۶
۲۱	بوشهر	۱/۲	اردبیل	۱/۶	قزوین	۱/۶	زنجان	۱/۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۶	خراسان جنوبی	۱/۶
۲۲	سمنان	۱/۱	یزد	۱/۶	خراسان جنوبی	۱/۵	بوشهر	۱/۱	بوشهر	۱/۵	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۶
۲۳	ایلام	۱/۱	قم	۱/۴	خراسان شمالی	۱/۵	هرمزگان	۱/۰	یزد	۱/۲	خراسان شمالی	۱/۵
۲۴	یزد	۱/۱	زنجان	۱/۳	زنجان	۱/۴	یزد	۰/۹	خراسان شمالی	۱/۲	یزد	۱/۳
۲۵	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۰	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۲	سمنان	۱/۳	سمنان	۰/۸	خراسان جنوبی	۱/۲	اردبیل	۱/۳
۲۶	زنجان	۱/۰	سمنان	۱/۱	لرستان	۱/۳	چهارمحال و بختیاری	۰/۸	چهارمحال و بختیاری	۱/۲	زنجان	۱/۳
۲۷	چهارمحال و بختیاری	۰/۷	خراسان شمالی	۱/۱	اردبیل	۱/۳	قم	۰/۳	زنجان	۱/۲	لرستان	۱/۲
۲۸			خراسان جنوبی	۱/۱	قم	۱/۲	ایلام	۰/۹	چهارمحال و بختیاری	۰/۹	چهارمحال و بختیاری	۱/۱
۲۹			چهارمحال و بختیاری	۱/۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۲	سمنان	۰/۸	سمنان	۰/۸	سمنان	۰/۸
۳۰			ایلام	۰/۸	چهارمحال و بختیاری	۱/۰	قم	۰/۳	ایلام	۰/۳	ایلام	۰/۸
۳۱					ایلام	۰/۸	قم		قم		قم	۰/۴

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

طی دوره های ۹۰-۱۳۶۵، بیشتر مهاجران برون استانی وارد تهران، خوزستان، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، فارس، قم و البرز شده اند. از دلایل مهاجرت به این استان ها می توان به تمرکز سیاسی و اداری، اشتغال، امکانات آموزشی و رفاهی، بهداشتی و به ویژه اقتصادی مانند امکان کسب و کار بیشتر، اماکن مذهبی و خوش آب و هوای اشاره کرد. البرز از استان های است که درصد زیادی از مهاجران استان های دیگر را در خود جای داده است. استان های اردبیل، زنجان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و سیستان و بلوچستان در دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ مهاجرین کمتری از استان های دیگر را جذب کرده اند. در دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ در استان های تهران، خوزستان، آذربایجان شرقی، قم، آذربایجان غربی، همدان، سیستان و بلوچستان درصد مهاجران برون استانی روندی کاهشی و در استان های گیلان، هرمزگان، یزد، بوشهر و گلستان روندی افزایشی و در ایلام روندی ثابت مشاهده شده است. در رتبه بندی استان های کشور بر حسب مهاجران خارج شده طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵، بیشترین درصد برای استان های تهران، خوزستان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، همدان، کرمانشاه، گیلان و مازندران بوده است. در دوره ی ۹۰-۱۳۸۵، از کل مهاجرین خارج شده از استان های کشور حدود ۵۰ درصد این مهاجران به ترتیب مربوط به استان های تهران، خوزستان، خراسان رضوی، فارس، البرز، اصفهان و کرمانشاه می باشد. استان های البرز و اصفهان مهاجرپذیر و سایر استان های کشور مهاجر فرست هستند. طی دوره ی ۹۰-۱۳۶۵ بیشترین درصد مهاجران خارج شده مربوط به استان تهران و کمترین درصد برای استان های ایلام، و کهگیلویه و بویراحمد بوده است (جدول ۶).

جدول ۶- رتبه بندی استان های کشور بر حسب مهاجران برون استانی و خارج شده طی دوره های ۹۰-۱۳۶۵

رتبه	برون استانی (وارد شده از استان های دیگر)			مهاجران خارج شده از استان ها		
	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰
۱	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران
۲	خوزستان	خراسان رضوی	البرز	خوزستان	آذربایجان شرقی	خوزستان
۳	اصفهان	اصفهان	اصفهان	آذربایجان شرقی	خوزستان	خراسان رضوی
۴	خراسان	مازندران	خراسان رضوی	خراسان	خراسان رضوی	فارس
۵	آذربایجان شرقی	گیلان	گیلان	اصفهان	اصفهان	البرز
۶	فارس	خوزستان	مازندران	فارس	کرمانشاه	اصفهان
۷	قم	فارس	فارس	همدان	فارس	کرمانشاه
۸	گیلان	آذربایجان شرقی	آذربایجان شرقی	گیلان	همدان	آذربایجان شرقی
۹	آذربایجان غربی	مرکزی	خوزستان	کرمانشاه	گیلان	همدان
۱۰	مازندران	گلستان	بوشهر	مازندران	مازندران	لرستان
۱۱	همدان	قم	هرمزگان	لرستان	آذربایجان غربی	سیستان و بلوچستان
۱۲	مرکزی	آذربایجان غربی	مرکزی	آذربایجان غربی	لرستان	گیلان
۱۳	هرمزگان	همدان	گلستان	کردستان	سیستان و بلوچستان	مازندران
۱۴	کردستان	هرمزگان	هرمزگان	مرکزی	اردبیل	آذربایجان غربی
۱۵	کرمان	یزد	قم	بوشهر	مرکزی	کردستان
۱۶	سیستان و بلوچستان	قزوین	همدان	اردبیل	کردستان	کرمان
۱۷	سمنان	بوشهر	سمنان	سیستان و بلوچستان	کرمان	مرکزی
۱۸	کرمانشاه	کرمان	کرمانشاه	هرمزگان	هرمزگان	هرمزگان
۱۹	لرستان	کرمانشاه	آذربایجان غربی	زنجان	گلستان	قم
۲۰	یزد	زنجان	کرمان	کرمان	قم	اردبیل
۲۱	بوشهر	اردبیل	کردستان	قم	قزوین	قزوین
۲۲	گلستان	لرستان	قزوین	گلستان	زنجان	گلستان
۲۳	اردبیل	کردستان	خراسان جنوبی	چهارمحال و بختیاری	بوشهر	چهارمحال و بختیاری
۲۴	زنجان	سمنان	زنجان	سمنان	خراسان شمالی	خراسان شمالی
۲۵	ایلام	سیستان و بلوچستان	خراسان شمالی	یزد	چهارمحال و بختیاری	بوشهر
۲۶	کهگیلویه و بویراحمد	خراسان جنوبی	سیستان و بلوچستان	ایلام	خراسان جنوبی	زنجان
۲۷	چهارمحال و بختیاری	خراسان شمالی	اردبیل	کهگیلویه و بویراحمد	سمنان	یزد
۲۸		چهارمحال و بختیاری	لرستان		یزد	سمنان
۲۹		ایلام	ایلام		ایلام	ایلام
۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	کهگیلویه و بویراحمد	چهارمحال و بختیاری	کهگیلویه و بویراحمد	کهگیلویه و بویراحمد	خراسان جنوبی
۳۱			کهگیلویه و بویراحمد			کهگیلویه و بویراحمد

نتیجه‌گیری:

پویایی مهاجرت داخلی در ایران را تا حدودی می‌توان بر اساس نظریه انتقال تحرکی زلینسکی (۱۹۷۱) تحلیل نمود. بر اساس این نظریه، در بستر فرایند نوسازی جریان مهاجرتی نیز تغییر پیدا می‌کند. به این صورت که مهاجرت در جامعه سنتی ماقبل مدرن قویاً توسط عوامل فیزیکی و فرهنگی محدود می‌شود، در مرحله گذار که با رشد سریع جمعیت نیز همراه می‌باشد، سطوح بالایی از مهاجرت روستا به شهر اتفاق می‌افتد و در مراحل پیشرفته این نوع جابجایی‌ها کمتر می‌شود و بیشتر مهاجرت‌های بین‌استانی و بین‌المللی اتفاق می‌افتد. بر این اساس در ایران تا سال ۱۳۴۰ مهاجرت داخلی در قالب روستا-شهری روندی بطئی و آرام داشته است، اما این روند از سال ۱۳۴۰ به بعد همراه با رشد سریع جمعیتی سرعت و شتاب بیشتری به خود گرفت و جریان مهاجرتی گسترده‌ای از روستاها به سمت شهرها صورت گرفت. در شرایط کنونی این روند با توجه به کاهش نسبت روستانشینی، کمتر شده و مقوله‌های مهاجرتی دیگری مانند مهاجرت شهر به شهر و مهاجرت بین‌استانی اهمیت یافته است. یکی از اشکال پویایی‌شناسی مهاجرت در ایران، مهاجرت بین‌استانی است که در قالب آن در سطح کشور، اکثر استان‌ها به‌عنوان مهاجرفرست و برخی نیز به‌عنوان مهاجرپذیر، جریان مهاجرتی ایران را ایجاد کرده‌اند. این جریان مهاجرتی که به‌شدت متأثر از استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت در استان‌ها بوده نقش زیادی در شکل‌گیری بازتوزیع فضایی جمعیت در ایران دارد. همچنین، در تحلیل مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران بایستی به تحلیلی در سطح کلان و به‌ویژه در ارتباط با درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها و میزان برخورداری آنها از منابع، امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها پرداخت. نابرابری استان‌های کشور از نظر سطح توسعه‌یافتگی بر جریان مهاجرتی بین‌استانی و الگوهای آن تأثیرگذار بوده است. به‌عبارتی نوعی همبستگی بین سطح توسعه و مهاجرت بین‌استانی به سمت استان توسعه یافته‌تر وجود دارد.

همان‌طور که در نقشه شماره ۱ مشاهده می‌شود استان‌های کشور از سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی برخوردارند. استان‌های تهران، اصفهان و سمنان، توسعه‌یافته‌ترین و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، پایین‌ترین سطح توسعه را در کشور دارند. به‌طور کلی، ۹ استان کشور در وضعیت توسعه‌یافتگی بالا، ۱۶ استان در سطح توسعه‌یافتگی متوسط و ۵ استان در سطح توسعه‌یافتگی پایین قرار دارند. هرچه از مرکز به سمت پیرامون و به‌ویژه جنوب‌شرقی و غرب کشور حرکت می‌کنیم، فقر و توسعه‌نیافتگی بیشتر می‌شود (Sharifzadeh and Abdollahzade, 2012: 54-55). همچنین، نابرابری در وضعیت آموزشی و سطح تحصیلات در استان‌های کشور وجود دارد. استان‌های شرقی و غربی در مقایسه با استان‌های مرکزی و شمالی کشور از وضعیت نامساعدی در زمینه‌ی آموزش و تحصیلات برخوردارند (Estelaji and Fathiniya, 2016: 13). علاوه بر اینها، مطالعات (Javanshiri and Shyan, 2017: 15) نشان می‌دهد که استان‌های مهاجرپذیر نظیر تهران، بوشهر، مازندران و گیلان از امکانات اشتغال‌زایی بیشتری برخوردارند. در مقابل، امکان اشتغال‌زایی در استان‌های مهاجرفرست نظیر سیستان و بلوچستان، لرستان، کرمانشاه و خوزستان پایین است.

بنابراین، سطح بالای توسعه استان تهران، ساکنان سایر مناطق و حتی کلان‌شهرهای کشور را برای مهاجرت به این استان ترغیب می‌کند. به‌دلیل تمرکز بیشتر امکانات کشور در این کلان‌شهر و مناطق پیرامونی، این استان به‌عنوان مقصد نهایی مهاجران و یک شهر آرمانی برای بسیاری از افراد از روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ تبدیل شده است. بعد از استان تهران، مقصد اکثر مهاجرت‌های بین‌استانی، استان‌های همجواری بوده‌اند که از لحاظ بعد مسافتی، فاصله کمتری با استان مهاجرفرست داشته‌اند. از این‌رو، با توجه به ساختار سنی گذار جمعیتی ایران و تسلط میان‌سالان بر جریان‌های مهاجرتی و ظهور پدیده پنجره جمعیتی (افزایش نسبت جمعیت در سنین فعالیت)، و کمبود فرصت‌های شغلی در بسیاری از استان‌های کشور، انتظار می‌رود که جریان مهاجرت‌های داخلی به‌ویژه مهاجرت‌های بین‌استانی همچنان در حال افزایش باشد و این نوع مهاجرت (مهاجرت بین‌استانی) در آینده نقش مهمی را در پویایی مهاجرت داخلی در ایران ایفاء نماید. بنابراین، در مورد مهاجرت‌های داخلی، سیاست‌گذاری‌ها بایستی در جهت کنترل اندازه و رشد زیاد کلان‌شهرها، تغییر جهت مهاجرت از قطب‌های رشد به سوی شهرهای کوچک‌تر و به‌عبارتی ایجاد شهرهای پیرامون کلان‌شهرها، اجرای طرح آمایش سرزمین و کاهش نابرابری‌های توسعه‌ای در بین استان‌های کشور باشد.

References:

1. Beyk Mohammadi, H. and R. Mokhtari Malekabadi, (2010): *The Geographical analysis of the migration process in East Azarbaijan Province (2005-2006)*, *Environmental Planning*, Vol.3, Issue 10, pp. 23-42.
2. Bonofizi, p., and Hinnies, G. (2000): *Long- Term Trends of Internal Migration in Italy*, *International Journal of Population Geogography*, Vol. 6, pp. 111-131.
3. Castles, S. and M. Miller, (2003): *The Age of Migration*, 3rd edition, MacMillan, London.
4. D. Lucas, and Meyer, P. (2002): *Beginning Population Studies*, Translated By H. Mahmoudian, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
5. Estelaji, A. and E. Fathiniya, (2016): *Analysis of the Spatial Pattern of Education by Using GIS Geographical Data System (Case Study: Iran's Cities)*. Volume 6, Issue 23, pp: 1-14. [In Persian]
6. Ghasemi Ardahaea, A. and A. hosseini Rad, (2008): *Iran internal Migration flows Between the Years 1996-2006*. *Population Journal*, Volume 15, Issue 65-66, pp. 1-26.
7. Javanshiri, M. and H. Shyan, (2017): *Spatial Analysis of the employment comparative advantage of Iran Provinces At The major occupational groups between 2006-2011*. Volume 7, Issue 27, pp: 1-20. [In Persian]
8. Jessadachatr, P. (1989): *An Economic Analysis of Interprovincial Migration in Thail and. Pittsburgh, PA: University of Pittsburgh*.
9. Hosseini, Gh. (2014): *A Study on Inter provincial Migration and Poles of migration in the Iran it during the period 1385-1390*. *Research Project in National Population Studies and Comprehensive Management Institute*. [In Persian]
10. Mahmoudi, M, J; M. Moshfegh and S. Kazemipour, (2010): *Systematic Analysis of the Place and Role of Khorasan Region in the Migration System of Iran During 1976-2006*. *Population Journal*, Volume 17, Issue 73-74, pp. 45-62.
11. Massey, D. S, J. Arago, G. Hugo, K. Kouaouci, A. Pellegrino and J. E. Taylor, (1998): *World in motion: understanding international migration at the end of the millennium*, Oxford: Oxford University Press.
12. Moshfegh, M. (2010): *A Study of the levels and trends of internal migration in Iran and the factors affecting it during the period 1976-1996*. Ph.D. Thesis Demography in Tehran University. [In Persian]
13. Nourollahi, T. (2010): *Provincial Immigration in Iran 1986-2006*. *barnameh Weekly*, Volume 9, Issue 376.
14. Sadeghi, R. (2009): *The Demographic Characteristics of Foreign Migrants in 2006 Census, Iran*. *Iranian Journal of Official Statistics Studies*. Volume 20, Issue 1, pp: 41-74. [In Persian]
15. Sadeghi, R. and M. Shokryani, (2016): *Spatial analysis of the development impact on internal migration -between counties- in Iran*. Volume 8, Issue 2, pp: 245-270. [In Persian]
16. Safaei Pour, M. (2009): *Geographical analysis on the migration process in Khuzestan province during the period 1345-1345*, *Journal of Social Developmant*, Vol.3, Issue 4, pp. 145-174.
17. Shams, M.; Mostafa, G.; Idris, A. and Kaveh, M. (2011): *Investigating the Rural Immigration and Its Impact on the Morphology of Cities Case Study: Saghez City*. Volume 1, Issue 3, pp: 57-68. [In Persian]
18. Sharifzadeh, A. and Abdollahzade, Gh. (2012): *Classifying regional development in Iran (Application of Composite Index Approach)*. *Journal Urnan Regional Studies and Research*, Volume 4, Issue 13, Pp: 41-62. [In Persian]
19. Statistical Center of Iran. (1988) *The Detailed Results of General Census of Population and Housing in 1986*, Tehran. [In Persian]
20. Statistical Center of Iran. (1997) *The Detailed Results of General Census of Population and Housing in 1996*, Tehran. [In Persian]
21. Statistical Center of Iran. (1998) *Study of provincial emigration 1986-1996, The Detailed Results of General Census of Population and Housing in 1986*, Tehran. [In Persian]

22. Statistical Center of Iran. (2008) *The Detailed Results of General Census of Population and Housing in 2006*, Tehran. [In Persian]
23. Statistical Center of Iran. (2012) *The Detailed Results of General Census of Population and Housing in 2011*, Tehran. [In Persian]
24. Todaro, M. (1988): *Immigration in Developing Countries Review the Theories, Documents, Methods and Priorities of Research*. Translated by M. Sarmadi, and P. Raissifard, Tehran: Labor and Social Security Institute.
25. Todaro, P. M, (1976): *Internal Migration in Developing Countries*. Geneva: International Labor Office.
26. UN. (2009): *Human Development Report 2009, Overcoming Barriers: Human Mobility and Development*. UN Development Program: New York.
27. Wilson, Franklin D (1987): *Metropolitan And Nonmetropolitan Streams:1935-1980*, *Demography*, Vol. 24, No2, pp .211-228.
28. World Bank. (2011): *Migration and Remittances Factbook (2nd Edition ed.)*. Washington: The World Bank.
29. Zanjani, H. (1997): *Demographic Analysis*, Tehran, SAMT. [In Persian]
30. Zanjani, H. (2001): *Migration*, Tehran, SAMT. [In Persian]
31. Zelinsky, W, (1971): *The hypothesis of the mobility transition*, *Geographical Review*, 61 (2), pp. 219-249.

